

فصلنامه علمی - تخصصی معارف علوم اسلامی و علوم انسانی

سال ۴ - بهار ۱۴۰۳ - شماره شانزدهم - ص ۲۱۴-۲۲۴

بررسی و تحلیل جایگاه خانواده در هشت کشور

مبینا نوروزی^۱

چکیده

خانواده در جهان مدرن با وجود نهادهای آموزشی، هنوز هم به عنوان پایه‌های ترین نهاد آموزش و جامعه پذیری به شمار می‌رود. طبعاً ارزشهایی که در خانواده و به خصوص از طرف مادران به فرزندان انتقال می‌یابند تأثیرات عمیقی در سطوح خرد و کالان در جامعه بر جای می‌گذارند. در بخش اول پژوهش حاضر، سیاستهای موجود در حوزه زن و خانواده در کشورهای ایران، مالزی، مصر، ترکیه، دانمارک، کانادا و آلمان مورد بررسی قرار گرفته. در انتخاب کشورها، ملاحظاتی زیر در نظر گرفته شده است: ۱- ترکیب مناسب و متنوعی از کشورهایی با فرهنگها و رویکردهای مدیریتی انتخاب شده. ایران، مالزی، مصر و ترکیه کشورهای مسلمان هستند؛ دانمارک، کانادا و آلمان از میان کشورهای غربی انتخاب شده‌اند. ۲- ترکیب مناسب و متنوعی از کشورهایی با سطوح توسعه یافتگی اقتصادی انتخاب گردیده. همچنین با انتخاب کانادا، دانمارک و آلمان از میان کشورهای توسعه یافته نیز به این نکته توجه شده است. ۳- سعی شده کشورهای انتخاب شوند که برنامه‌های منتشر شده رسمی و یا قابل استناد در حوزه زنان و خانواده داشته باشند. اسناد هر هفت کشور ایران، مالزی، مصر، ترکیه، دانمارک، کانادا و آلمان منتخب اسنادی رسمی به شمار می‌آیند که روی پایگاه اینترنتی دولت و یا مراجع معتبر قرار گرفته‌اند. سیاست‌های کشور آلمان نیز به اسناد گزارش مرکز پژوهشهای مجلس شورای اسلامی مورد بررسی قرار گرفته است. ۴- علاوه بر اینها، به این نکته نیز توجه شده است که اسناد مورد مطالعه به‌روز باشند و آخرین برنامه‌های کشورها در حوزه زنان و خانواده را در بر گیرند. ۵- کشور ایران در پژوهش حاضر به دلیل وجود و در دسترس بودن اطلاعات مرتبط و کافی در این باره و ایجاد مقام مقایسه بین دیگر کشورهای مسلمان و کشورهای غربی حاضر در پژوهش، انتخاب شده است. با در نظر گرفتن محدودیتهای و ملاحظاتی مذکور، به نظر می‌رسد ترکیب مناسب و قابل قبولی از کشورها انتخاب شده است که غنای محتوایی الزم را برای پوشش موضوعات مورد مطالعه به دست می‌دهد. برای تهیه منابع پژوهش به جستجوی گسترده منابع موجود در شبکه جهانی اینترنت، یعنی وبسایتهای نهادهای بین‌المللی، مقالات تدوین شده مرتبط با موضوع، سایتهای خبری و ... مراجعه شده است.

کلیدواژه‌ها: خانواده - جایگاه خانواده - هشت کشور.

^۱ - دانشجوی کارشناسی واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران.

بخش اول: یافته ها

در این بخش، اسناد و گزارشهای منتشر شده مرتبط با هفت کشور مورد مطالعه در حوزه زنان و خانواده به صورت خلاصه آمده است. یادآوری می شود بخشی از محتوای این اسناد که مرتبط با کشور های مالزی، مصر، ترکیه، دانمارک، کانادا و آلمان هستند، با توجه به بینشهای ارزشی نظام جمهوری اسلامی مورد نقد جدی است و تنها کارکرد آن، شناسایی روندهای جهانی و تهدیدات آن برای حوزه زنان و خانواده در کشور ما خواهد بود.

۱. ایران

دولت و مجلس ایران در اوایل پیروزی انقلاب اسلامی که تدوین قانون اساسی شروع شد، با وجود این که مقام و منزلت زن در بین خانواده ها و اقشار جامعه نقش قابل توجهی داشت، در صدد برنامه ریزی و تعیین قوانینی در جهت الزام بخشیدن اهمیت به جایگاه زنان در جامعه درآمدند؛ چیزی که امروزه برخی به اسم حقوق زنان و برخی آن را برابری جنسیتی می نامند. البته که مفهوم این دو عنوان کمی از هم جداست؛ اما در همین حد بدانیم که برابری جنسیتی مستلزم حقوق زنان و مردان است.

پس از پایان تدوین قانون اساسی در تاریخ ۲۴ آبان ۱۳۵۸ و در طول سالهای متمادی در اجرای قوانین حمایتی از زنان، نقش و جایگاه زنان در جامعه، خانواده و حتی در امور ساختاری، سیاسی و اجرایی دولت بیشتر شد. از نتایج مثبت و قابل توجه این قوانین حمایتی، همین بس که نرخ مشارکت دختران در دانشگاهها در پیش از انقلاب اسلامی عددی بالغ بر ۲۹ درصد و چند سال پس از تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی، این عدد به حدود ۶۰ درصد افزایش یافت و هم اکنون هم به نسبت تقریبی، حدود نیمی از فارغ التحصیلان مراکز آموزش عالی را زنان و دختران تشکیل میدهند.

در ادامه به چند قانون موجود در اصل قانون اساسی و قانون مدنی ایران میپردازیم:

- در بند ۱۴ اصل ۳ قانون اساسی آمده است: تأمین حقوق همه جانبه افراد، اعم از زن و مرد و ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون از وظایف دولت است.

بند ۸ این ماده نیز به حق فعالیت سیاسی زنان همانند مردان، اشاره دارد. این بند به بیان این موضوع می پردازد که دولت ایران موظف است برای مشارکت همه مردم اعم از زن و مرد (در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی همه امکانات را فراهم کند؛ بنابراین طبق قانون اساسی برای حق زنان در عرصه سیاست به عنوان رأی دهنده و رأی گیرنده، جز در موارد خاص، منعی وجود ندارد.

- اصل ۲۰ قانون اساسی به بیان این موضوع میپردازد که: همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند.

- اصل ۲۱ قانون اساسی دولت را موظف کرده حقوق زن را در تمام جهات با رعایت موازین اسلامی تضمین کند و امور زیر را انجام دهد:

۵ ایجاد زمینه های مساعد برای رشد شخصیت زن و احیای حقوق مادی و معنوی او.

۶ حمایت از مادران به ویژه در دوران بارداری و حضانت فرزند و حمایت از کودکان بی سرپرست.

۷ ایجاد دادگاه صالح برای حفظ کیان و بقای خانواده؛ ایجاد بیمه خاص بیوگان و زنان سالخورده و بی سرپرست.

۸ اعطای قیمومت فرزندان به مادران شایسته در جهت غبطه آنها در صورت نبودن ولی شرعی.

- ماده ۱۰۸۲ قانون مدنی: بر اساس این ماده، به مجرد عقد، زن مالک مهریه می شود و می تواند هر نوع تصرفی که بخواهد در آن بکند. زن هر وقت بخواهد میتواند مهریه خود را مطالبه کند، مگر شرایطی دیگری بین زوجین مقرر شده باشد.

- ماده ۱۱۱۸ قانون مدنی: طبق این ماده، زن مالک اموال خود است و مستقلاً میتواند در دارایی خود هر تصرفی که بخواهد انجام دهد و شوهر حق دخل و تصرف در آن را ندارد.

- ماده ۱۱۰۶ و ۱۱۱۱: بر اساس ماده ۱۱۰۶ قانون مدنی، نفقه زن بر عهده شوهر است و طبق ماده ۱۱۱۱ قانون مدنی در صورت امتناع مرد از پرداخت نفقه، زن میتواند به محکمه مراجعه کند و دادگاه او را محکوم به پرداخت نفقه خواهد کرد و در صورت امتناع مجدد از پرداخت، مسئولیت کیفری خواهد داشت. همچنین در فصل قانون کار زنان میتوان به صورت خلاصه به اهم موضوعات زیر اشاره نمود:

الزام قانون به حمایت از زنان شاغل، ممنوعیت سپردن کارهای خطرناک، سخت و زیان آور به زنان و ممنوعیت حمل بار بیش از ۲۰ کیلو برای زنان کارگر، تعیین ۹۰ روز مرخصی با حقوق قبل و بعد از زایمان و احتساب این مدت در سوابق خدمت و اجازه نیم ساعته به مادران شیرده برای شیردادن کودکان پس از هر ۳ ساعت کار .

منشور حقوق و مسئولیتهای زنان در نظام جمهوری اسلامی ایران:

گستردهترین شکل حقوق اجتماعی زنان را میتوان در منشور حقوق و مسئولیت های زنان در نظام جمهوری اسلامی ایران دید. منشور حقوق و مسئولیتهای زنان در نظام جمهوری اسلامی ایران، به پیشنهاد شورای فرهنگی و اجتماعی زنان در ۱۴۸ بند تدوین شده و در سال ۱۳۸۳ در شورای عالی انقلاب فرهنگی تصویب شده است. این منشور طیف وسیعی از حقوق زنان مانند: حق سلامت، حقوق فرهنگی، حقوق اقتصادی، حقوق سیاسی و حقوق قضایی زنان را شامل میشود و به بیان حقوق و مسئولیتهای فردی، خانوادگی و اجتماعی زنان و دختران می پردازد. برخی از مهمترین حقوق زنان در منشور حقوق و مسئولیت های زنان در نظام جمهوری اسلامی ایران عبارت است از:

0 حق برخورداری از عدالت اجتماعی در اجرای قانون بدون لحاظ جنسیت.

0 حق برخورداری از بهداشت باروری، زایمان سالم، مراقبتهای بهداشتی پس از زایمان با استفاده از زنان متخصص و پیشگیری و درمان بیماریهای شایع زنان، بیماریهای مقاربتی و نازایی آنان.

0 حق بهره‌مندی دختران بیسرپرست، زنان مطلقه، بیوه، سالخورده و خودسرپرست نیازمند، از بیمه های عمومی، خدمات مددکاری و بیمه های خاص به ویژه در بخش بهداشت و درمان.

0 حق برخورداری مادران از امنیت مادی و معنوی خصوصاً در ایام سالمندی و از کارافتادگی.

0 حق مشارکت زنان در سیاستگذاری، قانونگذاری، مدیریت، اجرا و نظارت در زمینه بهداشت و درمان.

0 حق دسترسی فراگیر و عادلانه به امکانات ورزشی و آموزشی در زمینه تربیت بدنی و تفریحات سالم.

0 حق برخورداری از خدمات مشاورهای و آزمایشهای پزشکی جهت اطمینان از سلامت کامل مرد در امر ازدواج و در حین ازدواج.

0 حق برخورداری زنان آسیب دیده و آسیب پذیر اجتماعی از حمایت های مناسب جهت بهبود وضعیت فرهنگی خود و جامعه.

0 حق تحصیل در آموزش عالی تا بالاترین سطح علمی و مشارکت در سیاستگذاری و تصمیمگیری و مدیریتهای آموزشی، علمی و حضور فعال در مجامع فرهنگی و علمی داخلی و بین المللی.

۰ حق برخورداری زنان و دختران از حمایت‌های لازم در صورت فقر، طالق، معلولیت، بی سرپرستی، بدسرپرستی و ایجاد امکانات جهت توان بخشی و خودکفایی آنها.

۰ حق برخورداری از مزد و مزایای برابر، در شرایط کار مساوی با مردان و سایر زنان.

۰ حق مشارکت زنان در سیاست‌گذاری‌های اقتصادی و ایجاد و اداره تشکل‌های اقتصادی و عضویت در آنها.

۰ حق بهره‌مندی زنان ایرانی از حمایت‌های قانونی در ازدواج و تشکیل خانواده با مردان غیر ایرانی با رعایت ضوابط.

۰ حق بهره‌مندی از آموزش و تصدی مشاغل انتظامی، آموزش‌های حقوقی و تصدی مشاغل حقوقی.

۰ حق برخورداری از تدابیر قانونی و حمایت قضایی جهت پیشگیری از جرم.

۰ حق برخورداری از محاکم خاص خانواده.

۰ حق برخورداری از حمایت‌های همه‌جانبه دستگاه قضایی.

۰ حق اعاده حیثیت زنان در اثر تقصیر، اشتباه قاضی در موضوع حکم یا در تطبیق حکم بر مورد خاص و

جبران خسارت مادی و معنوی از آنها.

۰ حق زنان در برخورداری از امکانات مناسب بهداشتی، فرهنگی، آموزشی و تربیتی در زندانها.

ناگفته نماند که این منشور در صدد بیان نحوه اجرای قانون نیست و لازم است با توجه به ساختار قوانین و تصویب قوانین مربوطه، یک ضمانت اجرایی برای بندهای این منشور در نظر گرفته شود.

۲. ترکیه

موضوع برابری جنسیتی در ترکیه پیشینه‌های طولانی دارد. در سالهای اخیر، سیاست‌های دولت در راستای قوت بخشیدن به نقش زنان در جامعه، بسیار گسترده و مشهودتر از قبل شده است. اصلاحات بسیاری، به خصوص در قانون اساسی، قانون جزا، قوانین مدنی و قانون کار صورت گرفته است. در حالی که مبنای قانونی برابری بین زنان و مردان در توافقنامه‌ها و مصوبه‌های مذکور قوت یافته است، اما هنوز مشکلاتی در زمینه اجرا و تشخیص این حقوق در مرحله عمل وجود دارد. در نواحی مختلف هنوز مشکلات خاصی مانند مدرسه رفتن دختران، دسترسی زنان به خدمات بهداشتی و مراقبتی، فرصت برابر شغلی و مشارکت در پروسه‌های تصمیم‌گیری وجود دارد. به مانند سایر کشورها، خشونت علیه زنان یکی از مشکلات اساسی در ترکیه است. موقعیت نامناسب زنان ترک در عرصه‌های مختلف، به نزل شاخصه‌ای سیاسی و اقتصادی و اجتماعی منجر شده است. ارزشها و تصورات سنتی و کلیشه‌ای در مورد جنسیت و ساختار فرهنگی جامعه، مشکلات و موانعی را برای زنان ایجاد کرده است که بر زندگی روزمره و اقتصادی و اجتماعی آنها تأثیر می‌گذارد. بنابراین، رفتارهای اجتماعی و روندهای مربوط باید تحت بازبینی، تطبیق، پرسش و در نهایت اصلاح قرار گیرند. پذیرش مفهوم برابری جنسیتی، از موارد مهم حذف نابرابری هاست که بر شاخصهای سیاسی و اقتصادی و اجتماعی تأثیر بسزایی دارد و تمامی ذی‌نفعانی که مسئولیتی در بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی زنان دارند، موظف به پیروی از این الگو هستند. برنامه راهبردی ملی برابری جنسیتی دولت ترکیه مبنای فعالیت هاست و راهنمای این مسیر خواهد بود. اولین برنامه راهبردی ملی برابری جنسیتی در سال ۱۹۹۶ تهیه شد و به کمک تمامی مسئولین و زیر نظر اداره مربوطه که « اداره کل رسیدگی به مشکلات و وضعیت زنان » نامگذاری گردیده، عملیاتی شد. پیشنهاد این برنامه، درست بعد از چهارمین کنفرانس جهانی زنان در پکن در سال ۱۹۹۵ آماده شد. در برنامه راهبردی ملی قبلی، وضعیت زنان در حوزه‌های مختلف شناسایی شد و اهداف و فعالیتها مشخص گردید. برنامه راهبردی ملی برابری جنسیتی (۲۰۱۳ - ۲۰۰۸)، میتواند ادامه برنامه قبلی باشد و اولویت‌های ملی و خطمشی‌های اجرایی مربوط به مسائل زنان و مردان را دوباره تعریف کند. این سند راهبردی در موضوع برابری جنسیتی، حوزه‌های اقتصادی، فقر، نفوذ قدرت

و پروسه های تصمیم گیری، سلامت، محیط، رسانه، تحصیل و مکانیسم های نهادی را پوشش میدهد. برای هر کدام از این موارد، سند سیاسی جامعی مهیا گردید که شرحی در مورد وضعیت فعلی و تحلیل موانع موجود در رسیدن این اهداف و استراتژی های عملی مربوط است. سند ملی راهبردی برابری جنسیتی با در نظر گرفتن اسناد بالادستی ملی و بین المللی بسیاری در زمینه ترفیع برابری جنسیتی، مانند برنامه توسعه اقتصاد کالن نهم (۲۰۱۳ - ۲۰۰۷)، معاهده ریشه کنی همه گونه های تبعیض علیه زنان، شرط اتحادیه اروپا و اهداف توسعه هزاره تدوین شده است.

۳. مالزی

سند راهبردی بهبود وضعیت زنان مالزی با در نظر گرفتن نکات و اسناد بالادستی ملی و بین المللی زیر تدوین شده است:

- « سند سیاستهای ملی بهبود وضعیت زنان. »

- موانع موجود در برابر مشارکت زنان در فرایندهای توسعه ملی در برنامه ششم توسعه مالزی.

- هفت راهبرد اساسی بهبود وضعیت زنان که در برنامه هفتم توسعه مالزی ارائه شده است.

- تعهدات دولت در معادلات بین المللی از جمله معاهده ژنو در مورد توسعه اقتصادی در مناطق روستایی معاهده پکن، معاهده ریشه کنی همه گونه های تبعیض علیه زنان با شروط مشخص.

- سند راهبردی بهبود وضعیت زنان، که تمام سیاست های دولت و تعهداتش در سطح ملی و بین المللی را به شکل برنامه ها و پروژه هایی با متولیان مشخص شامل دولت و سازمانهای مردم نهاد بخش خصوصی یکپارچه میکند. این سند، فعالیتهای متعددی را شامل میشود، از جمله تقویت مؤسسات فعال در زمینه بهبود وضعیت زنان، افزایش آگاهی عمومی و حساسیت بروکراسی دولتی به مصالح زنان، تقویت سازمان های مردم نهاد برای افزایش کارآیی و تأثیر برنامه های اجتماعی و اقتصادی زنان و خانواده، سلامت، آموزش و تربیت و اقتصاد، تقسیم قدرت در سازماندهی سیاست ها و تصمیم گیری زنان در رسانه، دین، هنر، فرهنگ و ورزش.

گروههای متعددی چون مجمع شورای ملی، گروه تدوین سند راهبردی بهبود وضعیت زنان در مورد ورود زنان در توسعه، دبیرخانه امور زنان، وزارت وحدت ملی و توسعه اجتماعی و سایر ادارات دولتی وابسته، سازمان های زنان، مشاوران و دیگر بخش ها را بررسی و اصلاح کردند و پس از اجماع ذینفعان، دستور کار هر گروه یا ارگان را نهایی کردند. فعالیتهای پیشنهاد شده شامل فعالیتهای ضروری، کوتاه مدت و بلند مدتی است که باید انجام شوند. با این سند راهبردی، تمام بخش های درگیر در استقرار زنان در جایگاه حقوقیشان در این کشور، خط سیری کلی در آماده سازی برنامه ها برای ورود زنان به توسعه دارند. با آماده سازی فعالیتهای پیشنهادی در این سند، زنان در مالزی شانس مساوی برای مشارکت در اشتغال در ساختن مالزی ممتاز دارند. بر این اساس، زنان مانند مردان این کشور، دارای های مهمی برای این ملت هستند که باید تغذیه شوند و برای ساختن ملت مالزیایی پایدار در زمینه های توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و انسانی ارتقا یابند که این به معنی توسعه بر اساس الگوهای کشور مالزی است.

۴. مصر

شورای ملی زنان در سال ۲۰۰۰ بر اساس ابالغیه ریاست جمهوری به عنوان نهاد مستقل و زیر نظر ریاست جمهوری تأسیس شد. اولین زن رئیس این شورا خانم سوزان مبارک بود. طبق ابلاغیه ریاست جمهوری، مأموریت این نهاد ارتقای وضعیت زنان مصری و تقویت نقش آنان برای انجام فعالیت اقتصادی و اجتماعی است.

وظایف این شورا عبارت است از:

- نظارت بر اجرای سیاستهای کلان در حوزه زنان و ارزیابی این سیاستها.

- تهیه پیش نویس برنامه های ملی برای پیشرفت زنان و حل مشکلات مربوط به آنها.

- پیشنهاد سیاستهای کلان برای جامعه و نهادهای قانون گذار به منظور توسعه توانمند سازی زنان در راستای ایفای نقش اجتماعی و اقتصادی آنها.

- ارائه پیشنهاد بر روی قوانین و تصمیمات مربوط به زنان قبل از تسلیم آنها به مقامات ذیربط مبتنی بر طرحهای مرتبط با قوانین لازم مورد نیاز برای پیشرفت زنان. مؤسسه از زمان تأسیس، همایشهای ملی بسیاری با هدف ارتقای توانمندی زنان برگزار کرده است. این شورا دارای قدرت قانونگذاری و همچنین روابط بین المللی بسیاری در سراسر دنیا است و این نشان از آن دارد که این شورا نقش بسزایی در افزایش توانمندی زنان در همه عرصه ها دارد و میتواند از این روابط برای بهبود و توسعه هرچه بیشتر جامعه استفاده کند.

۵. کانادا

در سال ۱۹۷۶ دولت کانادا دفتر هماهنگی امور زنان را به منظور هماهنگ کردن سیاستهای مرتبط با وضعیت مدیریت کردن برنامه های مربوط به حوزه زنان و خانواده، تأسیس کرد. اداره امور زنان کانادا (وزارت امور زنان) در راستای انجام وظیفه خود، نقش کلیدی در حمایت از طرحهای دولت کانادا برای برابری جنسیتی و نیز مشارکت کامل زنان در اقتصاد، اجتماعات و زندگی دموکراتیک ایفا میکند. این وزارتخانه برای اثرگذاری بیشتر با سایر دستگاهها، نهادها و وزارتخانه های فدرال، فرماندارهای ایالتی، مؤسسات بخش خصوصی و سازمانهای غیردولتی همکاری میکند. این نهاد همچنین با همکاری شرکای خود در انجام تعهدات داخلی و بین المللی در مورد برابری جنسیتی فعالیت مینماید. در سال (۲۰۱۳ - ۲۰۰۷)، اداره امور زنان کانادا بر سه حوزه کلیدی تمرکز داشت:

- ارتقای رفاه و امنیت اقتصادی زنان.

- پایان دادن به خشونت علیه زنان و دختران.

- و نیز تشویق زنان به انجام نقش های مدیریتی و تصمیم گیری.

اولویت های سرمایه گذاری این وزارتخانه، پروژههای خالقانه ای است که بر تقویت زنان از لحاظ اطلاعات، دانش، مهارتها و ابزارهایی که آنها برای عهده دار شدن نقش های رهبری در دولت کانادا و مؤسسات خصوصی نیاز دارند، تمرکز می کنند. همچنین، این وزارتخانه استفاده از مدل چهارچوب جنسیت گرا را در تمام وزارتخانه ها و نهادها تسهیل خواهد کرد. در این راستا، برنامه عملیاتی تحلیلی بر مبنای جنسیت، با همکاری کمیسیون محاسبات عمومی مجلس عوام تدوین گردید؛ که با اجرای آن، تعهدات دولت در قبال اجرای این مدل در میان مؤسسات و نهادهای دولتی تقویت خواهد شد.

۶. دانمارک

وزارتخانه برابری جنسیتی در دولت دانمارک برنامه های دولت در این زمینه را پیگیری میکند. مأموریتهای این وزارتخانه، همان طور که از نامش مشخص است، صرفاً به بهبود وضعیت زنان محدود نمیشود. اینوزارتخانه برنامههای متعددی را نیز برای ارتقای وضعیت مردان دنبال میکند. همچنین با توجه به پیشینه طولانی موضوع برابری جنسیتی در جهان و سطح توسعه یافتگی کشور دانمارک، به ویژه در حوزه های توسعه انسانی، بسیاری از فعالیتهای و برنامه های رایج ارتقای وضعیت زنان که در سطح بین المللی و ملی کشورهای در حال توسعه انجام میشود.

سندی که در ادامه، چکیده ای از آن بیان میشود، اهداف و برنامه های دولت دانمارک را برای توسعه برابری جنسیتی تشریح میکند. هدف دولت دانمارک ایجاد فرصت های برابر برای زنان و مردان است. هدف آن است که به زنان و مردان به گونه ای برابر نگریسته شود و آنها فرصتهای برابری برای انتخاب زندگی مطلوبشان داشته باشند. تالش دولت در جهت ایجاد احترام به تنوع و تمایلات شخصی افراد است. برای این منظور، به عنوان امری نو، این دیدگاه و سند راهبردی دانمارک، ۱۵ هدف سیاسی و شاخص برابری جنسیتی را تا سال ۲۰۱۵ برای برابری جنسیتی بیشتر در بر می گیرد. این ۱۵ هدف شامل اهداف دولت برای بالا بردن برابری جنسیتی است؛ از جمله این اهداف، سرپازی اجباری برای زنان می باشد.

این اهداف در حوزههای همه وزارتخانه ها اثرگذار است و چه بسا فراتر از این سطوح می رود؛ چرا که برابری جنسیتی محدود به کارهایی که دولت میتواند و باید انجام دهد نیست؛ بلکه موضوع الگوی اجتماعی است که باید اجرا شود. ناگفته نماند که با اتخاذ این سیاستها، کشور دانمارک در سال ۲۰۱۷ به عنوان دومین کشور برتر برابری جنسیتی در اتحادیه اروپا انتخاب شد.

۷. آلمان

کشور آلمان به دلیل سابقه دو نظام حاکم کملاً متعارض یکی از مناسب ترین کشورها برای مطالعه سیاست گذاری در حوزه زنان و خانواده است. در آلمان شرقی سیاست گذاری خانواده در راستای اهداف دولت کمونیستی آلمان شرقی بود و در آلمان غربی سیاستهای لیبرال و محافظه کارانه، محور سیاستگذاری خانواده بود. این کشور به دلیل بحران جمعیتی و مواردی از این دست؛ تنشهایی را شاهد بوده که به اجرای سیاستهای متنوع منجر شده است.

به گزارش مرکز پژوهشهای مجلس شورای اسلامی، کشور آلمان نرخ بسیار پایین موالید را خصوصاً بین سالهای منتهی به سال ۲۰۰۰ و چند سال بعد از آن تجربه کرده است و این نرخ در سال ۲۰۱۳ به پایین ترین حد خود رسید. در این زمان بسیاری از مقامات سیاسی و حتی شخصیتهای کلیسا به دنبال تشویق زنان به ماندن در خانه و اقدام به فرزندآوری بودند. این کشور در سالهای اخیر با اقدام هایی چون مهاجرپذیری، تدابیری جهت برون رفت از این بحران اندیشیده است. در سال ۲۰۰۴ نیز میزان طالق در این کشور به بالاترین حد خود رسید.

این گزارش می افزاید در برخی از سیاستهای خانواده در این کشور به تعریف نقش مراقبتی برای مردان و ارائه مرخصیهای مراقبت از کودک و مانند آن برای کمک به زنان مشاهده میشود؛ با این حال تأکید آلمان ها به «مدل تأمین مخارج مردانه» سبب تأکید بیشتر بر نقش مراقبتی زنان در این کشور شده است. هم اکنون دولت آلمان در تالش است تا با تمرکز بیش تر بر خانواده های تک سرپرست، ارائه مرخصی های بیشتر برای والدین و ایجاد محیط کاری دوستدار زنان و دوستدار خانواده، شرایط حضور بیشتر زنان در اقتصاد آلمان را مهیا کند و همزمان نقش مراقبتی آنان در خانه را حفظ نماید. دولت کمک هزینههای از ۳۰۰ تا ۱۸۰۰ یورو در ماه را به پدر یا مادر فرزند تازه به دنیا آمده اختصاص میدهد؛ که این مبلغ حداکثر تا ۱۴ ماه پرداخت میشود؛ یکی دیگر از والدین نیز برای حداقل دو ماه میتواند از این تسهیلات استفاده کند. سیاستهای حمایتی اختصاصی مادران شاغل، شرایط مساعدی را برای این افراد فراهم میکند تا در صورت فعالیت اقتصادی نیز بتوانند به نقش مراقبتی خود در خانه و تربیت فرزندان نیز بپردازند.

نتیجه بحث

دو نکته مشترک در تدوین برنامههای کلیه کشورها به چشم می خورد: نخست اینکه همه کشورهای مورد مطالعه در تدوین برنامه های بهبود وضعیت زنان به برنامه های ملی توسعه توجه نموده و تالش نموده اند برنامه های زنان و خانواده را هماهنگ با برنامه های کلان کشور طراحی کنند و دیگر اینکه این کشورها به معاهدات بین المللی مانند معاهده پکن و معاهده ریشه کنی همه گونه های تبعیض علیه زنان (سازمان ملل) متعهدند و برنامه های خود را بر این اساس تدوین نموده اند. ترکیه و مصر تالش کرده اند در تدوین راهبردهای بهبود

وضعیت زنان از تجارب کشورهای توسعه یافته استفاده نمایند. برای نمونه، سند مربوط به ترکیه با همکاری وزارت امور اجتماعی و کار هلند تهیه شده است.

در برخی از کشورها، عمدتاً کشورهای غربی، کلیه امور بهبود وضعیت زنان در وزارتخانه ای تحت عنوان برابری جنسیتی پیگیری میشود. در برخی دیگر از کشورها، شورایی تحت عنوان شورای زنان، زیر نظر نخست وزیر که عالی ترین مقام اجرایی است، یا یکی از وزرا مسائل زنان را پیگیری میکند.

با توجه به اینکه مسئله بهبود وضعیت زنان در حدود ۲۰ سال اخیر به یکی از دغدغه ها و فعالیتهای اصلی سازمانها و نهادهای بین المللی مانند سازمان ملل تبدیل شده و شاخصه ای بهبود وضعیت زنان به عنوان شاخصه ای اساسی پیشرفت و توسعه انسانی به شمار می آید، کلیه کشورهای مورد مطالعه در مورد برابری قوانین و فرصت ها برای زنان و مردان به اجماع نسبی رسیده اند. البته این موضوع در کشورهای غربی مانند دانمارک، کانادا و آلمان، فراتر از یک جهت گیری است و برابری جنسیتی ارزش بنیادین جامعه و الگویی اجتماعی قلمداد میشود.

یکی دیگر از رویکردهای اساسی که در بیشتر کشورها بدان توجه شده است، اهمیت مشارکت زنان، به عنوان نیمی از نیروی کار، در توسعه ملی است. کشورهای مورد مطالعه برنامه های متنوعی برای افزایش مشارکت زنان در عرصه های مختلف، به ویژه اقتصاد و اشتغال تدوین کرده اند. البته باید متذکر شد که برنامه های کشورهای (غربی) دانمارک، کانادا و آلمان (در شیوه اجرا و نقاط تأثیر، تفاوتی اساسی با برنامه های کشورهای ایران، مالزی و مصر دارد. بخشی از این تفاوتها به اختلاف در سطح توسعه یافتگی کشورها بر میگردد. برای نمونه، در برنامه های ایران، مصر و ترکیه توجه خاصی به مناطق روستایی و کمتر توسعه یافته شده است و پروژه های متعددی با ماهیت یاری و امداد برای بخشهای کم برخوردار از کشور تدوین شده است؛ در حالی که کشورهای غربی کمتر به اینگونه برنامه ها توجه داشته اند و وزن برنامه هایی که زنان را برای حضور در عرصه سیاست و تصمیم گیری تشویق و تقویت می کنند، در کشورهای توسعه یافته نسبت به کشورهای در حال توسعه بیشتر است.

همچنین، بخش دیگری از این اختلاف را میتوان به تفاوت های فرهنگی، اجتماعی و دینی میان این دو دسته نسبت داد. به طور کلی، نظام فکری که فعالیت های توسعه ای زنان را در کشورهای غربی هدایت میکند، تحت تأثیر روندها و جریانهایی مانند (فمینیسم و برابری جنسیتی) به معنی برابری کامل و یکسان بودن زن و مرد است؛ ولی در کشورهای اسلامی مانند ایران، مالزی و مصر، ریشه فکری بسیاری از برنامه ها از آموزه های دینی برگرفته شده است؛ ترکیه نیز در این میان وضعیتی بینابین دارد. کانادا و مالزی در اسناد سیاسی خود به نقش دولت، سازمان های مردم نهاد و بخش خصوصی در بهبود وضعیت زنان توجه کرده اند.

یکی از رهیافت های منحصر به فردی که در ترکیه مشاهده میشود، توجه به این مسئله است که در کنار برنامه هایی که به طور مستقیم برای زنان تدوین می شود، آنچه برای ارتقای برابری جنسیتی ضروری است، آگاهی مردان از موضوع برابری جنسیتی و نقش آنها در بهبود وضع زنان است.

رویکردهای دولت ایران نیز کمی نسبت به دیگر کشورهای حاضر در پژوهش، از مفهوم برابری جنسیتی دورتر است؛ اما بسیار عمیق تر به مسئله حقوق برابر زنان و مردان پرداخته است. با کمی دقت و بررسی بندهای موجود در قانون اساسی، قانون مدنی، قانون جزا و منشور حقوق زنان میتوان دست یافت که این اسناد، تجمیعی از اسناد مرتبط دیگر کشورها است؛ اما نقطه عطف قوانین موجود در ایران این است که ضعف ها و مغایرات قوانین دیگر کشورها، با ملاحظاتی و تعالیم دینی اسلامی برطرف شده و یا قوانین جدید جایگزین شده اند؛ تا از ایدئولوژیهای افراط و تفریطی غربی زدوده شوند؛ تا هم مطابق ارزشهای جمهوری اسلامی ایران باشند، و هم به صورت اصولی حقوق زنان را محترم بشمارند و جایگاه آنان را در ارکان مختلف و حتی عالی جامعه ارتقاء بخشند.

بخش دوم: تحلیل ها

مقدمه

هر کشوری در جهان سنتها و ویژگیهای خاص خود را دارد و افرادی که در این کشورها زندگی میکنند، باید به این سنتها احترام بگذارند. آیین ها و رسوم و رسوم هر کشور و هر منطقه ای، از نیکانمان به جای مانده و باید از آنها محافظت کنیم تا مبدا از بین نرود؛ البته ناگفته نماند که تغییر و تحول در این گونه موارد کاملاً امری طبیعی و غیر قابل اجتناب است؛ اما باید بتوانیم تا فرهنگ اصیل و نیک خودمان را حفظ کنیم و در پی آن از ارزشها و راه و روش نیک دیگر کشورها بیاموزیم و از مواردی که با فرهنگ پسندیده خودمان در تناقض است، اجتناب کنیم.

خانواده واحدی است که بر اساس ازدواج پدید می آید و اساس جامعه را تشکیل میدهد؛ خانواده در مقایسه با دیگر نهادهای اجتماعی اهمیت بیشتری دارد. چرا که شناخت خانواده باعث شناخت بیشتر جامعه می شود. در بخش دوم از پژوهش حاضر به ویژگی های خانواده و مفهوم آن پرداخته شده است. کشورهای ایران و مصر به عنوان کشورهای مسلمان و کشور استرالیا به عنوان یک کشور فرقه ای و همچنین کشورهای نروژ و آلمان به نمایندگی از کشورهای اروپایی و غیراسلامی، در این بخش حضور دارند.

خانواده در ایران

خانواده در فرهنگ ایرانی پایه و ستون اصلی جامعه است و برای مردم ایران واحدی بسیار ارزشمند است. در ابتدا باید گفت که خانواده کانون اصلی رشد و تعالی فرزندان است؛ فرزندان که قرار است جامعه را بسازند، و آداب و رسوم و فرهنگ کشور را در جامعه حفظ کرده و در بقای آن بکوشند. در جامعه ایرانی به دلیل اینکه در دین اسلام که دین اکثر مردم ایران است، به خانواده تاکید زیادی شده است، بنابراین جامعه ایرانی خانواده را بسیار مقدس میداند و در تحکیم و بقای آن کوشش زیادی می کنند.

هر وقت دو نفر با هم پیوند زناشویی میبندند و یا فرزندی به دنیا می آید، موج جدیدی به وجود می آید که شمار زیادتری از افراد را به هم پیوند میدهد. در واقع خانواده، ازدواج و خویشاوندی بنا به تعریف پدیده های اجتماعی با هم ارتباط داشته و مکملی هستند که هر کدام را باید به اعتبار دیگری بشناسیم.

افراد در این نهاد ضمن حفظ نسل، وظیفه تربیت فرزندان، مراقبت، حمایت از بزرگسالان و حفظ میراث فرهنگی و دینی خود را بر عهده دارند. در طول دو سده اخیر خانواده ی ایرانی در جریان نوسازی فرهنگی و اجتماعی و سیاسی کشور تغییرات اساسی یافته است؛ به طوری که بعضی از خانوادهها از سنت های خود دور شده و فرهنگ بیگانه را در زندگی خود جای داده اند؛ و این امر باعث به وجود آمدن مشکلاتی در خانواده ها شده است. سابقه و تحولات تاریخی خانواده طی دوره های متعدد، چالشها و مشکلاتی را سر راه خانواده از قبیل طلاق و فروپاشی خویشاوندی قرار داده است و این گونه مسائل از موضوعاتی است که تحقیقات زیادی در مورد آن شده است و در مجال این پژوهش نمی گنجد.

خانواده در مصر

کشور مصر در قاره آفریقا قرار گرفته؛ قارهای که اکثر کشورهای آن آداب و رسوم باستانی دارند. تمدن بر این قاره تاثیر زیادی نداشته است؛ افراد ادیان باستانی دارند و پذیرفتن قوانین مدرن برای آنها دشوار است. اما کشور مصر به عنوان مشهورترین کشور این قاره کمی از این ماجرا مستثنی است.

خانواده در این کشور، نه تنها شامل همسر و فرزند، بلکه شامل همه بستگان شوهر میشود. مرد بزرگتر، سرپرست خانواده است و تمام

پسران و خانواده های آنها زیرمجموعه این گروه میشوند. آنها با یکدیگر زندگی میکنند، غذا میخورند و حتی کار میکنند. افراد این کشور تغییرات را دوست ندارند؛ اگر فردی در مصر تصمیم به ازدواج گرفت، بدان معنی است که این امر جدی و همیشگی است. مردم بر این باورند که همه مشکلات زندگی آنها میتواند برطرف شود، به شرط آن که همه با هم متحد باشند. در این کشور همه به هم کمک می کنند؛ اعضای خانواده به یکدیگر احترام می گذارند و همدیگر را دوست دارند. مصری ها می دانند که تنهایی معنایی ندارد. کودکان باید به والدین احترام بگذارند و ازدواج عموزاده هادر این کشور بسیار رایج است.

خانواده در استرالیا

از آنجایی که استرالیا قاره ای جوان است، سنت های آن جدیدتر به نظر میرسد. استرالیایی ها به خانه هایی که در آن زندگی می کنند، دلبستگی ندارند و همه چیز جدید است؛ بنابراین خیلی سخت نیست که آن را ترک کنند. افراد معمولاً در مکان هایی زندگی می کنند که در آن مشغول به کار هستند. روابط خانوادگی و فامیلی معنایی ندارد و همه سنتها جدید و مدرن است، اما به طور کلی، هر خانواده سنتهای خاص خود را دارد؛ زیرا اکثر افراد در این کشور مهاجر هستند. استرالیایی ها افرادی شاد و خوشحال هستند. در این کشور، کودکان برای مدت طولانی با والدین زندگی نمی کنند و زمانی که بزرگتر شدند از خانواده جدا میشوند. جالب است بدانید که استرالیا برای جوانان و سالخوردگان مناطق خاصی برای زندگی دارد؛ این ملت مردمانی بسیار خودمانی دارد.

خانواده در نروژ

افراد در نروژ معمولاً با فردی ازدواج می کنند که از کودکی همدیگر را بشناسند. آنها بعد از ازدواج، صاحب فرزند می شوند. فرزندان در این کشور در ۱۸ سالگی مستقل میشوند و برای زندگی و مسکن، پول دریافت می کنند. بین والدین و فرزندان روابط دوستانه برقرار است. خانواده های نروژی معمولاً یک تا چهار فرزند دارند و اولین فرزند آنها معمولاً در سن ۳۰ سالگی والدین به دنیا می آید. مادران نروژی ۱۱ ماه مرخصی با حقوق دارند و بعد از آن هم کمک هزینه فرزند دریافت میکنند. افراد در نروژ معمولاً خانه قسطی خریداری می کنند تا خانه دار شوند و باید هر دو زوج کار کنند تا بتوانند قسطها را بپردازند. افراد خانواده برای غذا در رستوران، قبض را به صورت جداگانه حساب میکنند، پدر و مادر حسابهای بانکی جداگانه ای دارند؛ در نتیجه می توان گفت که اغلب مردان و زنان خانواده های نروژی دارای استقلال مالی هستند.

خانواده در آلمان

این کشور با وجود جنگ های عظیم و تنش های بسیار، غنای فرهنگی بالایی دارد. افراد بعد از ازدواج، به همسر خود تکیه میکنند. آنها سعی دارند در روابط خانوادگی، پرورش کودکان، کار و تحصیل ایده آل باشند. برای آلمانی ها مهم است که همه چیز زیبا و دلپذیر باشد. خانواده آلمانی معمولاً خانهای پر از وسایل دارد، که گاهی جایی برای نشستن مهمان نیست. آلمانی ها رفتاری گرم و صمیمی دارند و دوستدار مهمان هستند.

فرزندان در ۱۸ سالگی مستقل میشوند. جوانان، معمولاً در کنار تحصیل، کار هم میکنند. خانواده به بستگان احترام میگذارد و سعی دارد تا تعطیلات در کنار هم باشند. پدر بزرگ و مادر بزرگ اغلب از نوه هایشان نگهداری نمی کنند و زندگی خصوصی خود را دارند.

نتیجه گیری

اگر کشورهای موجود در این بخش را در مقام مقایسه کنار هم قرار دهیم، متوجه میشویم که به طور کلی پایه و اساس هر جامعه را رکن خانواده تشکیل میدهد؛ و فرهنگ هر جامعه متناسب با دید و منش خانواده ها ساخته میشود.

در این بین، خانواده های کشورهای مسلمان از همبستگی، دوستی و روابط خویشاوندی بزرگتر و بیشتری برخوردار هستند و افراد جامعه در این کشور توسط امر ازدواج، هم دل تر می شوند و به استحکام روابطشان افزوده میشود.

در مورد کشورهای استرالیا، نروژ و آلمان، متوجه این میشویم که اغلب افراد خانواده در این کشور تمایل دارند تا از استقلال اجتماعی و مالی برخوردار باشند، در نتیجه این امر، روابط خانوادگی و خویشاوندی به سمت سردی کشیده میشود و میتواند پایه های خانواده را دچار تزلزل کند.

البته باید بدانیم که استقلال در بسیاری از زمینه ها، مورد پسند است ولی نباید در این مورد دچار افراط شد و مفهوم استقلال را به خود مختاری و خودسری تغییر دهیم؛ چراکه انسان به ذات خود یک موجود اجتماعی است و نیاز دارد تا تعامل داشته باشد، کمک بکند و کمک بگیرد.

منابع

کیهان خبرگزاری. <https://kayhan.ir/>

فارس خبرگزاری. <https://farsnews.ir/>

ایسنا خبرگزاری. <https://www.isna.ir/>

میزان خبرگزاری. <https://www.mizanonline.ir/>

پرتال جامع علوم انسانی- مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی- مرکز آینده پژوهی جهان اسلام

بالگفا سایت. <http://www.blogfa.com/>
